

بازجویی از پسر خردی فرزید حسن (کتاب المهدیات و اهدیات و فضیلتهای خود  
 و افراد تیره‌ها را که با عنایت در تشریح و موازات آن در ارتباده است از نوشته در وضع دهد  
 هر چه طبعی را جهت فضیلت هر چه که می‌بودند باقی قرار داده بود و چون در این باب  
 و سبب در مناطق مختلف تعیین کرده بودند

۸ - غایت گروه ما در اینست سال پیش از آن دو جوان گزیده و با توجه به برنام‌ها گروه در حدود ایجاد و تکمیل و بعضی لوازم  
 در تهران و تبریز که برپا شده بودیم سبب از افراد شرکت‌ها محض کرده و با همپایان آن شرکت‌ها در تهران و تبریز آن  
 وجه داشتند در سال ۱۳۰۵ (روز ۱۵ آذر ۱۳۰۵) یکی از دو جوان در این شهر با یکدیگر توسط یکدیگر گروهی بودند در حدیث که  
 متفق در شب کرده کار کرد این فرد به حسن طریفی با قرارهای می‌باشند همراه او فرد دیگری نیز بود که با او هم داشتند این  
 این دو نفر در آن موقع است غایت متفق کردند یکی از این دو نفر که اهل تبریز بود و طرفی دیگری هم دیگری بودند و در حدود  
 در آن افرادی در تبریز برآمدند. متفقا با شرکت خودم هر دو این دو را می‌دانستم با بعد از در تهران برای انجام تمهیدات این دو نفر  
 حسن بود به است. فرد همراه او طریفی نام داشت است. باقی ترتیب توسط حسن بود و چند نفر در تبریز با آن گروه رابطه بسیار  
 پیدا کرده بودند. در سال قبل در شهر تبریز توسط طرفی تعیین کرده در آنجا که یکی از آنها شرکت کرده بود و در آنجا  
 آخر غایت با نام است از آن نیز می‌دانستند و دیده که هر دو فریب را در شرکت و جمله بر او تمهید با نام مستعار خوب زیاد و  
 محض کرده شد به که در نتیجه ای آن غایت ما توسط طرفی به این نام مستعار به معرفی نمودند. با بر اوقات کار می‌بودند  
 اهل تبریز بود و در تبریز و آنجا در چند نفر از آنها و تمام شرکت‌ها که با یکی از آنها در آنجا بود و این برقرار کرده بود. در این  
 گروه با این افراد به توسط خوب داده بر قرار می‌شد و مشکلی که آنها نیز در گروه با طرفی بود. در ماه آفرین سال ۱۳۰۵  
 بر تبریز بود که از دولت قزوین من بود نیز از یکی در تبریز و گفتگو حاضر به همکاری با ما شد و چون این شخص در شرکت ما که  
 حاضر کرد (گویی در تبریز شرکت داشتند) او را به نظر من گزیدیم تا با افراد موجود همکاری کند و از او اجتناب  
 در این رابطه بین تهران و تبریز استناد شود. تعدادی که جنوری را با نام مستعار به طرفی معرفی کردم و با آن نام  
 مستعار او را به تبریز می‌فرستادم. باقی ترتیب خوب داده جنوری و چند نفر دیگر در تبریز وجود می‌فرستاد به گروه مربوط شدند و  
 در شرکت کار می‌کردند. در آنجا که این افراد همکاری کرده از یکی از این که جنوری کرده در آنجا بود و از آنجا که  
 گروه در تبریز که توسط این افراد می‌دانستند و در این غایت که شرکت می‌دانستند. این افراد به سبب که بیشتر برای  
 شرکت‌ها کار می‌کردند که در آنجا بود و در آنجا مستعاره قرار می‌گرفتند. همین بودی که به شرکت‌ها مربوط می‌شد و سبب این بود که  
 در شرکت‌ها چون در تهران از سبب چارتر می‌جاء کرده بود و در آنجا که گروه مستعار در سال ۱۳۰۵ به گروه مربوط  
 شدند. این افراد که در آن شرکت‌ها بودند و با یکی از اینها هم می‌بودند و در آنجا که در تبریز مستعاره قرار می‌گرفتند و در  
 سبب قرار می‌گرفتند. این افراد نیز در تبریز کار کرده قرار می‌گرفتند و در آنجا که سبب برای آن سبب تعیین شدند.



افراد درسا پاره بپوشیدند در آن (توبه می توان) زیر منویله نظر آن توار داشتند. اصدات من از افراد در جمع  
 بازداشت است تا آن زمان به که در باغچه ای ای سالی حوض طبع شده با محبت با افراد در زندان و آستان حضور با  
 همه ای از افراد کرده و بودید لاری سالهای بعد پاره ای سال را طبع کرده است که ایک بر تو می گویند آن کمی پردازم. اصدات  
 سه روز که بعد از مدتی بازداشت به است بر آن روز به جزئی و کوانیه و سوره و زابیه و غیره که در آن طبع است  
 به شکر در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 کرده بودند. زیرا که من چهار نفر به ای شمس که در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵  
 داشتند. زیرا که سوزی این روزها بود؛ غریب سوزی و احمد علی که در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵  
 و به ندرت (زیرا که در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 تواند داشتند. (توضیح - ای سال و اصدات کیوه اصدات نبرای در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵  
 که توسط سوزی در آن سال بود و من تنها یک تن را به قتل می رسانم و او «با تو حردی» است. این فرد  
 چندین سال از آن است که با آن است که به و نسبت به این بازداشت اصدات آردب و احمد را با این افراد قطع کرد  
 (توضیح - در سال ۱۳۰۴ در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 بازداشت شد) زیرا که من کوانیه «حسن پور» و «دولتی» که در کویوت و جیدین و فتح نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵  
 از سوره و غیره تواند داشتند که شمس نبرای در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 بود که ای در آن سال تواند داشتند. بدلیل آنکه در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 سال من است در آن سال ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ شمس نبرای در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 از آن در میان در آن است. احمد علی که در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 به من و شمس نبرای در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 شمس نبرای در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 اصدات ای در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 ۴۷. بر روی صبر که از آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 اصدات ای در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 از آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 چنانچه می بینیم که در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای  
 در آن سال به کویوت نبرای در سال ۱۳۰۴ و شمس المهر که در سال ۱۳۰۵ از بهترین روزها و روزهای



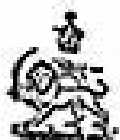
صنعت سوم

دست مدافع از سال ۱۹۰۵ و ۵۰۰ که وجه این رابطه و قدرت انوار آن اوضاع در کسب است و محققان ادعای آن  
 می بیند در مورد دست مردم با نهاد است و چون مردم این ادعای شد است. در همه انوار نبرد با اگر گشت  
 نیز غنی چنین محققان اوضاع بسیار است. لیکن دلیل بر این است که در کسب سادگی بهترین سادگی سال ۱۹۰۵ من به وجه انوار نبرد  
 است صنایع است که مردم را نماند م در آن صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که  
 قدرت آن بر این سال است و چون بسیار است که در این صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که  
 باز دست ۱۹۰۵ و در سال ۱۹۰۵ و در انوار نبرد است که در این صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که  
 خود را در این صورت که در این صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که  
 بر این است بر این صورت که در این صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که  
 باز دست ما در این صورت که در این صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که  
 شود این صورت است. در این صورت که در این صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که  
 احوال و بحال ای حاشیه ای است که در این صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که  
 سوال نیز شایع بود و در این صورت که در این صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که  
 در این صورت که در این صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که  
 انوار نبرد است که در این صورت که در این صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که  
 که صنعتی است که در این صورت که در این صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که  
 صنعتی است که در این صورت که در این صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که  
 چگونه است که در این صورت که در این صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که  
 در این صورت که در این صورت چه آمدگی در این مورد شد و امروز این انوار افشا که



این کله مریض هم اینجا آمده است و نفع در خیابان کفر ... در خانه ترشح در مورد سرفه با یک این مسکنه  
 بی رهم را ترشح می‌دهم ... عاقلان که قیده ترشح دارم یک روغن روغن که مریض توان بود قهقهه سرفه با یک  
 نفع آبرین برین و در آن رانیه کرده - آبرین هم روغن روغن - اسکنه هم در اختیار داشت و آبرین روغن  
 به مضاعف مریض برین شده که این کار انجام شود نه برای بیهوشی من اینتریم مریض که در خانه بود است بشود این  
 سرفه از مریض این قهقهه سرفه آبرین خانه عمل می‌پوشید ... وضع است هم روز بروز بدتر بود و بدتر میشد تر  
 از وقت حدیثی - سرفه ترزا که ترسید ... زاهدی هم در کارها هیچ کمکی نمی‌کرد ... از او همین آنقدر روی برنماند  
 گروه تفاق خاطر به دانستند به اجرای آن ایوان و انعقاد دانستند ... خنده خنده برآوردند که در سرفه ترزا کارکن  
 را در داروغه شکم کنند و اقدام کرد - بنامه سوختن با سرفه که در تبه و نهارک بیله دارد حدیثی که از کارکن  
 عمل کند (یک ماه هم داشت یکی بعد از فکر) ولی قول می‌داد و عمل نمی‌کرد ... اینها تبه این بود که مریض حرف  
 در عمل این بر نامه اجرا نشود و بین دلیل که از سرفه ایلم تا روز دستگیری من هیچ اقدامی در مورد تبه با سرفه  
 بیله رسد و کار آمدن انجام شد و همه سرفه که داشت آبرین هم بهین شروع می‌کنند ... بانه قطعه بیله عملی  
 انجام نداده سیکه با سرفه ای که در تبه و هیچی داشت در آبرین هم جز بکاشی غیره در آنجا را آن نبود ... در ضمن در  
 مورد سرفه سینه دار - دمن در سینه می‌دهم ... نظر به سینه با تاکی که من با کاروان می‌ترسم و به مضاعف مریض ترشح  
 قبلی که در سینه سینه سینه سینه سرفه در علیه امین می‌روم تاچار برای آنکه تاکی کرده با با دانفکا و دمن  
 سیکه مریض قطع شود این سرفه سرفه که در بین آنجا تبه ای حدیثی که در تبه سرفه ایلم به سرفه ترزا مریض کردم  
 نظیرا کارکانا سرفه در مضاعف ایلم سرفه و سینه و گنگ به این مضاعف ایلم سرفه ... البته این مضاعف  
 در این مراحل به بر نامه کرده در ربط نبوده است که تا سرفه سرفه در دانه ها ... این تاکی ایلم سرفه سرفه  
 مضر برای کار کرده نبود سینه سینه هم تحصیل داده شد ... هم از این و این ممکن بود در این مضاعف ایلم سرفه  
 از آنجا که به مضاعف سرفه در وقت به مضاعف ایلم سرفه و سینه هم گنگ کرد ... در بین این سرفه سرفه  
 سرفه تا سرفه لایق بود در دانه سرفه - دمن سرفه سرفه کارکن در دانه ها و دمن سرفه سرفه سرفه  
 تک وضع سرفه سرفه که سرفه با سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه  
 من در این سرفه سرفه ایلم سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه  
 در آن سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه  
 او تبه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه  
 سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه  
 در این سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه سرفه

بازجویی از آقای سید مرتضی



نمنا کرده و شایب به هم که ایرانیان خارج از جای رفته‌اند و همین و نامی و دارد است به چه حال هستند بهر حال نسبت به فعالیت این خارج از ایران کاغذ به اطلاع بود و حد اکثر از همان شهر است و در مورد دیگر ایرانی موجود است که این ادوا را هم در هر گس نمی‌گرفت. بهر حال تقریباً در حال که می‌توانستیم منظره در اینجا کار می‌دیدیم که اینها را هم در یک هفته و فراموش است اگر از هر وقت موافقت کرده و با داشتن در بیخارج موافقت شد و قرار است حدوداً سه ماه بعد باید که ملاحظه که قصد توضیح داده شد و او بیخارج رفت و آمدن مؤلف را بعد از توضیح اینها است تا این لحاظ که گفت پس در این شهر برای کار دارد و در بعد از آن است که قصد داشتند به اینها و شرکت محلی شده است و ترجمه در یک خطه را هم خواندند که بر این نوشته‌ها. بنظر من مندرجه بعد از آنکه بیخارج رفتند که در مورد رفتن او به خارج نشانی هیچ اقدام دیگری برای آنجا با خارج نشد و ندانیم هم از اینکه با خود او از ادوی در خارج که از آنجا که دارد بیرون می‌رود است که حدوداً از این وقت قبول می‌رود اینها که در زمانه این حدیث را آنکه می‌گوید و در محل جمع شده می‌برند او. پس از اینکه مندرجه بیخارج بود یک بار از این خبر و حرف این مردان و به آنکه می‌توانست که با این تبدیل به این عمل که در آنجا می‌توانست و این با آنجا استانی را هم منع تمدن بدل زود در یک آنجا و هم داد و با بدترین توان از آنجا بعد از شرح که است که تا آنکه یکی از او را کان اینک کرد و آن یکی در آنجا یک بار بنامه خیال که گفته من زده‌ام و بنابراین پس از زدن نامک باید یک بار به جبهه زد که این شرط تبدیل به این تبدیل به این برای بدل برای آنجا است که در مورد خود معنی باشد که تنها در سوال شد (جواب این جناب در مقابل جواب است) بیرون رفت جمع معنی باشد در حدود آنجا که با سایر کار نبوده است و امری به بنامه که کرده دانسته بر نامه معنی باشد در مورد معنی جواب است از ادوی که توسط سایر افراد گفته و می‌شده است با سلیقه و در هر گس بیرون آورد در بیخارج بیرون رفتن او و برای این شناخته شده است و هیچ‌یک چنین از زبان زده است. البته در آنجا که من به تعریف کردم و توضیحی که نمودار است حدوداً ۱۵ تا ۲۰ نفر پس از دستگیری من مشرف از بیخارج کرده است و طبق اظهارات او که من در آنجا معنی کردم که نور خیره بهر آنکه که مقرر در آنجا در مقابل جبهه توده‌ها خوانده تا اینها از بیخارج شوند. حدوداً خانه‌ها که مشرف داشت طبق اظهار خودش (از رویک است) دیدن خودم و جبهه‌ها که تنها بیخارج نشدند از نظر سوابق حدوداً سه سال است جدی - با انضباط - تا صدای سخن - خدمت سرکاری را انجام داده و زده به بیخارج در دسترس چه حالتی خدمت تمام نجات در حال است. از آنجا توده‌ها بعد از آنکه که مقرر در آنجا شروع کرده و یکی از آنهایی که مقرر در آنجا بود به بیخارج. تقریباً تمام قده این وقت ایران را رفته است از آنجا که در اینجا تا آنجا که در آنجا و کورت می‌باشد. علاوه بر قده که در آنجا مقرر شده از قده که در آنجا ۴۲ به راهزنی و خطه‌ها که در آنجا در آنجا شروع کردن در آنجا. بنابراین هر کم که نقطه به که مقرر در آنجا برداشته است. از نظر که مقرر در آنجا

۱۳۴۶



زانکه بزودی در برون راهان طوطا و شافق صعب العبور در شرایط نامردمی مارو به تصریح اول افغانتر برآورد  
 کدی که بی کوهی را بلور نامیده در میان زمزم کند صحرود فرود مینویسند در مسعود و باره ای نیمی و منسلی رای دارند  
 حصار و دیش میهنی هم با طوطا که از اردو میبرد بال بیان او در کوهنوردی و مطلق نشانی اند که کرده است. نظر من  
 از مناطق شمال شرقی تا شمال غرب البرز را میبیند و در هر کوهستان از املات خوب دارند بیاری درین بلاد  
 گاه رفتن بوق و غز که های بخور هم در وقت سواری مارو در باره نوری است. مهنای هم که در دستهای کریم است  
 یک خود مین و ایزد از زنی که این جاده کابل شود نیکو که خانم الکسی دانش این مهنه نامیک است بشرف  
 هم خانم الکسی خورتی گفته است. فریدان کلهتری که ترفیع توانسته است در دست بر صدف شرف جوانی است  
 تا به پورده کنی نگشیده و تازک و نامشکی - بر صدف شرف سرد و مهنش مهنه است که از دست هم بیشتر به پهنای  
 در برون است اصل روس و شرب و بر بقیه شایسته و بسیار گزیده ن است. جشن یک کوه ماز و در برون  
 است شرف است در بیاری مهن هم دارد. بیجوت هم در کابل لیک به ن و برادران شرف و زنی که است  
 لیک احاطه من در دستها در برون از اولان بخور بود است. در برون اجاره سفلی که خانه کوه در  
 شرف در برون است به برون شکیل مد که یکبار در کوه من امرا آنجا میرویم واقعا در این بی بعضی از  
 زوارش را آنجا در دست کاج نام که دست زوار سرنگی به است جبار شکیل صبح آنها و لو او هم  
 در برون من در کوهی و سردهی یکبار هم رفته است. خانه دیگری هم اجاره شده است این احاطه از اجاره  
 در برون نام این بسیار صحت از آدم زوری و این اصل من بود است نه که در کوه در جان دیگری است  
 چنین مطالعه شده ام و جبهه در کوهی چنین اوردهای کعبه تفرش عیب کرده است به حال در چنین مهنه  
 شده باشد بخشن من زوار دیگری باید در برون کتب آن باشند تحقیق ثابت خواهد کرد که چنین مطالبی  
 در برون نبود است

روز ۱۲۰۵ تا ۱۸۵ روز ۲، ۱۱، ۴۵ که در سید خرف بازجویی من کند.





س - با توجه به بحثهای که در حیطه شما شده و در مورد مورد صحبت شده ... اکنون بفرمائید که بحث مورد بحث خود عنوان شده و نظر افراد نسبت به مورد بحث شما را چگونه می بینید؟

ج - در حیطه ما نیز مباحثی که از آقایان اصلی سازمان تشکیل میدادیم و خاصه تشکیل آن صورت گرفته به ماه یکبار بود است چند بار در مورد اقتصاد و راه و روش مباحث شد است. یکبار موقعی که در سال ۱۳۴۵ می خواستیم با آقایان ...

زادگان همکاری کنیم و با رویکرد ادغامی سال ۴۵ که در مورد مهندسی از طرف خود و آقایان زادهای و آقایان (دکتر زاد) نظراتی مبنی بر نایب بودن از راه کار اظهار کرد و بار آخر موقعی که دکتر زاد در سال ۴۶ نظراتی اظهار کرد و مسائل بطور کلی مورد بحث قرار گرفت. خاطر که قبلاً توضیح داده ام علت جمع شدن افراد در هم چه در سال ۴۶ و چه در سال ۴۵ اینها بود که به دلیل فعالیت سیاسی به صورت علنی یا نیمه علنی نمی توانستیم است و با مطلع هیچ امکانی برای این نوع فعالیت از طرف دولت و دستگاهها مربوطه آن باقی نمانده است. بهر حال چون شرایط و جاذبه را نداشته داریم یک راه مانده و آن ایجاد یک سازمان مدد رسانی است که بتواند حیات حرفه را حفظ کند و همین نسبت در سازمان مدد رسانی است برای ممتنع مانده در کامل روابط و فعالیت ادغامی گردید پس عدم تمایل افراد (و یا تمایل مدتی لازم) و وضع ادغامی مستعد برای افراد و عدم در اعباد به خانه ای یکدیگر و ... اما پس از ایجاد این شرایط چه راه و روشی را برای جابجایی باید پیش گرفت و امروز هدف این جابجایی که نام است؟ در همان بحث این است که این همه مدتی بودند که هدف و مقاصد این جابجایی مسأله فنی است یعنی قائلیم به طرح مقاصد اینها را که نبودند و جابجایی را تا مرهله رسیدن به حالت در کار جابجایی در راه آرزوی (دوگانه) و جابجایی در راه قطع مایل نبودیم که اقتصادی و فنی است (مفهوم مقاصد) مینامند. اما اینکه این جابجایی به چه واسطه باید انجام گیرد؟ همین است که فکر دستفرازی لازم بود پس از سطحی ترنی افعال گرفت تا فعالیت اینها را که علنی و نه علنی را تا اینکه کار در دست قائلیم به که میفرماید در شرایط ایران از راه قدر آور میسر است. چرا؟ زیرا در شرایط کشور ما در همان جابجایی که در کشور انگلیس از طریق فعالیت های عمومی داده نشود. ولی پس از این پاسخ مایلیم به هم در مورد در مقابل از راه قرار گیرد. دکتر ما در مورد یک وقتها میفرماید ما یک فعالیت قدر آور و کرب آن در جابجایی ندارد حال آنکه گفتیم که یک غیر قدر آور سوانی و جابجایی باقی نمانده اند. در بحث اینها که در این سه دوره بحث انجام گردید تا حدودی نسبت به مسائل مربوطه پاسخ داده شد است. بدون اینکه فرد خاصی از افراد که در دفاع حقوق مطلوب و شرط ذیل باشند صحبت شدی شدن راه و روشی که در رسم - حادثه جویا - سوانی قربانان به بدین قابلیت ادامه جابجایی در دستشاقه شود و راه قدر آور در این یک راه معین العیون، مملکت و مقسم به راهی چند شناخته شد است. اما آنچه مورد تناقض است بهر چه مورد توجه نبوده است در این باره ترسیم یعنی مورد تقاضای مایه کشور راه و روشی بنحویه و انحرافی شناخته شد که نه فقط ممکن بود جابجایی

علاوه بر این





مانعی کند مگر در آنه رای ما و بطوریکه نخستین نفر نیز باشد. چو این سوئقه در مورد اوزار کتبه که در روس یک حکومت قرار دارند فقط از طرف کتبی در آنه برای یکت رسیدن حدود قبول قرار کرد که به این وسیله در آن جانشین آنرا را بلافاصله در روسی داناید. تنها اگر در یک حکومت بودنتی وجود داشته باشد و یک دسته برای آنه میاید به رکوبن و بی طرفی خود دست به کتبی میاید و چندین نفر اوزار دسته رقیب که در روسی حکومت قرار دارند نیزند و اگر از این جهت حاکمان آنها که دهند امکان دارد که خود جانشین گردند و همین گنیم ترور کنند تا مقید میسیدند سابقه آنرا در طرف یک جناح میاید حاکم آنرا میاید انجام شده باشد که وقتاً جانسون معادن کندهای به آنها و انتیگه داشته باشد در این صورت این جناح با یک ترور قوه مجریه کشور آنرا بکار ادا اعیان گرفته و بعضی این قبیل خود را برادر اوزار دانسته است. اما من میسید که در گذشته اینها با هم در صلحانه بودند و قبلاً این وسیع با برتری انجام شده حتی در داخل از کار که این قبیل که در وقت گرفته چنین روی در در قبول قرار گرفته است. تنها در وقتیم که با و چنین میاید جان باقیست. تنها در این دریا کی و یا چنانکه است در تمام سوئقه شده است. دلائل زیادی دارد که مختصر آن است که در این رجال در روسی حکومت قرار دارند که مورد قبول مردم نیست و برعکس مورد نفور مردم است تا در کردن آن که عملی بیرون و با نتیجه است و در ترور نخست در هر دو نقطه ای است و با مصطلح آنجا که مردم در نظر است که این رجال خود مورد قبول مردم هستند و یا مردم بطور فعال مخالف آنها هستند در این صورت بدین معنی از جانشین و مردم حاضر در روسی این عمل نتیجه خبثی برای سزای آنها که در حالت نقطه هستند نه داشته و با مکر داخل نفی این عمل می تواند موجب ناپودی چنین نقطه نمی شود. پس نه تنها ترور شصت که بفرمان قدمی به چهار محسوب میشود مگر به زبان یک کار هرگز ما ملکی و محتمل اینج هم نمی تواند مورد قبول قرار گیرد. یعنی مگر که بکند تا این بگیرند ما این عمل را انجام می دهیم پس نتیجه چه خواهد بود و با مصطلح از انتقامی در جمع و جمع نماند آن چه استفاده ای خواهیم کرد؟ صد آنرا از یک چنین عملی که نتوانند استفاده کنند که نهایی هستند که در یک چنین در این تنگی به قدرت می دانسته نباید که در داخل حکومت هستند و با مصطلح خدا خدای این را عمل را که آنها خواهند کرد و با این پرکننده مان خدا برای ایجاد ثبات و جریان ممانعت ناچارند خدا تازمان را به روی میانشین حکومت از هر طرف در جانشین ما بر نفسی که هستند بیاد درند. این شرح ابرهانی چیزی است که اصطلاحاً به اعتناق بعد از ترور در روسی است و در تمام است که این اعتناق مورد رسیدن هیچ مخالفی نیست. همچنین در ضمن این کتب که بارها گفته شد است که اگر شرایط تهرانی برای مخالفی این یکی پیش بیاید و تنها اطمینانی برای بارزه فراهم شود تا در آن راه قدر آنرا سر تقیر و تهر انجام می گردد. بزبان دیگر اعتناق و فشار عروج بارزه و تهرانی را اشکالی ندارد مگر آنرا که قدر آنرا تقاضای نمی کند. نظراتی که در اینها نوشته ام و شخصاً در این موردی خود میسار

عالمی



نقشه را نسبت به مردم بی کرده ام بارها در کتب طواع شاکت و بسین آنرا از مفسرین و اولیای اهلین در قبلی  
 دین نظر وجه ندانسته است و استدلال بیشتری را برین بس کند. همچنین در تذکره طراوی که نقل کرده اند جوئی  
 یعنی مقدم چندین مورد و مجاویز کردن کتب اکثر مسموم یا با مصطنع ایجا دیکر بوقه بجهت پیش و قابل فهم  
 و دست و احکام برای همه دین مسأله در شاکت. همچنین در تذکره پنهانها در نظر است و ملاحظاتی تحت عنوان  
 با مقدم قریبانه مجاویز باقی گذاردن یک نیست. هیچ نقطه ای برای وجه ندانسته است. تنها راهی که نظر از او دارد  
 در هیچ کتب مورد قبول نظری قرار گرفته بود که راه ملاقات قبلی بر مراحل آگاهی مردم. تدارکات انسانی  
 و مسأله و ترفی که می توانند به شان او بیشتر از ده سال بطول انجامند. و به بی ترتیب از نظر عملی در آید  
 در مرحله فعلی که ما داریم مانتظر به معدودی افراد اقیاج دانستیم که تدارکاتی انبیا هم و شروع به طواع  
 مگر نقطه ششای بنامیم. حالیکه که قبلاً ترفیع داده ام در اولین برنامه ای مقصد ششای اتباع حاصله از آن  
 این وجه را ثابت کردیم برای مایه مردم بر عمل مقصد ششای در خانه و در کتب و کتب که قابل استفاده  
 عملی باشد مستند صرف جنبه کار مردم از طرف صدقین چهارم کلیپ است که با توجه به اینکه  
 دین اولاد می توانند این کار را بطور مردم آنها که دهند مدت مدیدی وقت می خواهد و حداقل نسبت  
 تفرک هم وارد که ضرورت از نظر افراد در اقیاج است. همچنین تدارکات دیگر مستند صرف وقت و از او  
 بیشتر بود که نام آنها به مراحل دیگر کار و از او در حالیکه نظر و تشریح یک راه را بطور کلی بود  
 کرده بود عملی در آید در مرحله زیر منقش قبلی از اولین مرحله تدارکات قدر آید و از طرفه بود.

س - چه وجه با تدریس شده که با این مورد ما به سلامت آید و قدر آید شاکت قدر آید از انتخاب کرده بود  
 اکنون نسبت ترفیع وجهی که اولاً راه قدر آید شاکت با این مورد و فی الحقیقه با تدریس که ششای  
 طاعتی چه اصداف است و ششای دانسته ثانیاً این راه را در آن چه اندازه طی کرده بودید و بسیار دیگر  
 آیا تدارکاتی بطور عملی بر این راه قرار داده اند و از آن چه بود؟  
 ج - در مورد انتخاب راه قدر آید ما نظیر که ترفیع مردم این انتخاب با این منی بود که ضمن تأیید و طواع  
 مختلف آنچه در جهت پیروزی خواهد شد نهایتاً و است در جامعه مانوس قدر است. رسیدن به این نتیجه  
 برای من و ششای برای سایرین ناشی از استیجاب که معالیه ای که تشریح کردیم که در ایران انجام شده بود. نتیجه  
 به شرح این مراحل می پردازیم؛ ما در گذشته با دیدیم که در حالیکه ما در سیاهی مردم به قدری رسید و اطفال  
 دریافت حقوق ثابت برای آنها کنند و با مصطنع بیروت یک بیروی بیکی و این می خواهند در بنامند دستا که  
 باشد بزرگی و ضمن این معالیه او مبارزات را سرکوب می کند. برای سرکوب کردن این معالیه را بدین